

مطالعه تطبیقی اندیشه های بندورا و آزوبل در باب فرایندهای یاددهی-یادگیری

پروین حسینی اصل^۱، مژگان محمدی نائینی^۲

^۱دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی اراک، اراک، ایران

^۲استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، اراک، ایران

چکیده

آشنایی با نظریه‌های یادگیری به‌منظور شناخت بهتر نظریه‌های آموزش برای دستیابی به رشد تفکر در دیگران مفید است. همچنین از مقایسه نظریه‌های مختلف می‌توان در پیشبرد اهداف پژوهشی استفاده کرده و افق‌های دید بهتری را برای معلمان ایجاد نمود. هدف اصلی این پژوهش مقایسه وجوه تشابه و تفاوت میان نظریه آلبرت بندورا و دیوید آزوبل دو نظریه‌پرداز در حوزه روان‌شناسی تربیتی، است، به این منظور مبانی نظری، انسان‌شناسی، روش تدریس، مؤلفه‌های یاددهی-یادگیری از نظر آن‌ها مورد تطبیق و بررسی قرار گرفته است روش در این پژوهش تطبیقی و تحلیلی و جامعه آماری مطالعات از منابع موجود کتابخانه‌ای و مقالات و پژوهش‌های انجام شده در این حیطه بوده است. با مطالعه این دو نظریه می‌توان شکل خاصی از تدریس و راهکارهایی برای آموزش اثربخش را با توجه به ماهیت انسان، قدرت یادگیری و مشارکت دانش‌آموز در یادگیری، برای رشد و پیشرفت رفتارهای مطلوب در دانش‌آموزان ایجاد کرد، هر دو نظریه‌پرداز در امر آموزش تقویت و تشویق درونی را مؤثرتر و مفیدتر می‌دانند. با ایجاد رفتارهایی مثل خودتنظیمی و خود انگیزشی می‌توان صفات نیک و پسندیده را در یادگیرنده نهادینه نمود. همین‌طور با یادگیری معنادار می‌توان از آموزش طوطی‌وار در مدارس پیشگیری کرد.

کلیدواژه‌ها: آلبرت بندورا، دیوید آزوبل، مؤلفه‌های یاددهی-یادگیری

مقدمه

دیوید آزوبل^۱ و آلبرت بندورا^۲ دو نفر از چهره های برجسته روانشناسی تربیتی هستند که تحول شناختی و آموزشی فوق‌العاده‌ای را با توجه به ماهیت انسان در آموزش و پرورش ایجاد کرده اند با نگاه دقیق‌تر و با پرداختن به وجوه مشترک و تمایز و تطبیق و مقایسه نظریه‌ها و اندیشه‌های بندورا و آزوبل براساس مفاهیم زیربنایی آموزش و یادگیری با رویکرد انتقادی، تحلیل و تبیین شده است.

یادگیری از دیدگاه روان‌شناسی شناخت گرای عبارت است از ایجاد تغییر در ساخت شناختی و جریان‌های ذهنی فرد، در نظریه روان‌شناسی اعتقاد بر این است که یادگیری و حل مسئله نه از راه آزمایش و خطا بلکه از راه کسب بینش حاصل می‌شود. بینش عمدتاً از راه کشف روابط بین اجزاء یک مسئله حاصل می‌شود یکی از نظریه‌های شناختی نظریه یادگیری معنادار کلامی آزوبل است، آزوبل روش یادگیری معنادار خود را به‌جای روش شرطی سازی پیشنهاد می‌کند، آزوبل برای معنا کردن یادگیری بر ایجاد رابطه بین یادگیری های قبلی و یادگیری جدید تأکید می‌ورزد او می‌گوید اگر یادگیرنده بتواند بین آنچه که می‌خواهد یاد بگیرد و آنچه که قبلاً یاد گرفته رابطه برقرار کند، یادگیری او معنادار است و اگر نتواند هیچ نوع رابطه‌ای بین یادگیری فعلی و قبلی ایجاد کند یادگیری او غیر معنادار خواهد بود، راه پیشنهادی آزوبل برای ایجاد ارتباط بین مطالب جدید و قدیم پیش سازمان‌دهنده است (سیف، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱).

نظریه یادگیری اجتماعی مبتنی بر یادگیری از راه مشاهده است یک نظریه التقاطی رفتاری شناختی است که در آن بر تقویت و تنبیه توجه شده است که هم تقویت و تنبیه مورد توجه رفتارگرایان تأکید شده و هم بر رفتار و فرایندهای ذهنی شناختی، البته در این نظریه تأثیر تقویت و تنبیه نه بر یادگیری بلکه بر عملکرد است، زیرا در این نظریه چنین فرض شده که یادگیرنده صرفاً از راه مشاهده رفتار و اعمال دیگران و تقویت و تنبیه آن را یاد می‌گیرد، در آشکار شدن یا واپس زدن رفتار ازسوی یادگیرنده مؤثر است (سیف، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱).

یادگیری از راه مشاهده، به آموزه های افلاطون و ارسطو باز می‌گردد. آن‌ها معتقد بودند که باید، الگوهای را به دانش‌آموزان ارائه کرد. به این منظور که، آن‌ها با مشاهده این الگوها از آن تقلید کنند. در آن سال ها یادگیری مشاهده ای به عنوان یک تمایل طبیعی جهت تقلید آنچه مشاهده می‌شد، امری بدیهی بیان می‌گردید و به همین دلیل هم تلاشی برای مشخص کردن این که آیا تمایل به تقلید ذاتی است یا خیر و آیا یادگیری مشاهده ای اتفاق می‌افتد یا نه، وجود نداشت. برای اولین بار ثرنادیک، یادگیری مشاهده ای را به طور آزمایشی مورد مطالعه قرار داد. پس از او واتسون، تجربیات ثرنادیک را تکرار کرد و او هم هیچ گواهی بر یادگیری مشاهده ای نیافت (السون و هرگنهان، ۱۳۸۷، ص ۳۵۷)

این دو اندیشمند با توجه به ماهیت انسان نظریه‌های منحصربه‌فردی در رابطه با یادگیری - یاددهی ارائه کرده‌اند که به نظر مولف می‌توان با ترکیب این دو نظریه در پیشبرد هرچه بهتره آموزش قدم برداشت در این مقاله با مفروض داشتن امکان چنین تحلیلی به مقایسه اندیشه های این دو در ماهیت انسان، الگوهای یادگیری- یاددهی پرداخته شده است آنگاه با رویکردی انتقادی شباهت ها و تفاوت های هر دو دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته و علاوه بر این تلاش می‌شود تا به این سوال ها پاسخ داده شود.

۱- مؤلفه‌های شیوه‌های یاددهی-یادگیری از نظر بندورا کدام است؟

۲- مؤلفه‌های شیوه‌های یاددهی-یادگیری از نظر آزوبل کدام است؟

۳- تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه آزوبل و بندورا کدام است؟

^۱ David Azubel
^۲ Albert Bandura

یادگیری مشاهده ای^۳

یادگیری از راه مشاهده، به آموزه های افلاطون و ارسطو باز می گردد. آن‌ها معتقد بودند که باید، الگوهایی را به دانش‌آموزان ارائه کرد. به این منظور که، آن‌ها با مشاهده این الگوها از آن تقلید کنند(السون و هرگنهان، ۱۳۸۷، ص ۳۵۷). نظریه ی یادگیری که هم جنبه رفتاری دارد و هم جنبه شناختی نظریه یادگیری مشاهده ای یا نظریه یادگیری اجتماعی نامیده می شود مهمترین نظریه پرداز در این زمینه آلبرت بندورا ۱۹۸۶ تا ۱۹۷۷ است. او پژوهش‌های متعدد خود درباره یادگیری از راه مشاهده بر اهمیت فرایندهای شناختی در یادگیری تاکید زیادی داشته است (سیف، ۱۳۹۱)

آلبرت بندورا (۱۹۲۵) اهل کانادا بعنوان پژوهشگر و نظریه‌پرداز پیشرو در زمینه یادگیری مشاهده‌ای مشهور است(السون، هرگنهان، ۱۴۰۱) او به‌خاطر ارائه نظریه یادگیری اجتماعی اش شهرت یافت و با این نظریه رفتارگرایی را به شناخت درمانی که به‌تازگی ارائه‌شده بود پیوند زد و موجب پیدایش رفتار درمانی شناختی که یکی از مهم‌ترین رویکردهای روان‌شناسی در اواخر قرن بیستم است شد و به نقل از هرگنهان و السون ۱۳۸۹ "بنیادهای نظریه بندورا هنگامی شکل گرفته‌اند که اکثریت نظریه‌پردازان یادگیری بر یادگیری مستقیم تجربه مستقیم با محیط تأکید می‌کردند" (جاویدی، معدنی، رضوی، ۱۳۹۰) در این نظریه هم تقویت و هم تنبیه مورد توجه نظریه‌پردازان روانشناسی رفتار گرا و هم بر فرایندهای ذهنی و شناختی تاکید شده؛ آلبرت بندورا نظریه شناختی اجتماعی خود را مبتنی بر اصول تقلید و سرمشق‌گیری بنا نهاده است، او می‌گوید برای یادگیری لزومی به تمرین نیست بلکه شاگرد مطالب را از راه تقلید و مشاهده می‌آموزد بدین معنا که کودک با مشاهده رفتار و کردار الگو یا سرمشق یا شخص نمونه، موفق به یادگیری می‌شود و در شرایط و زمان مقتضی عین همان رفتار و کردار را انجام می‌دهد او می‌گوید رفتاری که از فرد سر میزند تحت تاثیر سه عامل مختلف است عوامل شخصی (باورها، انتظارات نگرش‌ها) و رویدادهای محیطی (فیزیکی اجتماعی) و رفتارهای (عملی و کلامی) فرد با یکدیگر تاثیر متقابل دارند و هیچ یک از این سه جز را نمیتوان جدا از اجزای دیگر به عنوان تعیین کننده رفتار انسان به حساب آورد وی این تعامل سه جانبه را تعیین گری متقابل (جبر متقابل) نامیده است (مشهدی، عرب بیگی، ۱۳۹۶) اگر رفتار الگو یا شخصی که سرمشق قرار می‌گیرد با تقویت یا تنبیه مواجه شود این تقویت و تنبیه بر رفتار شخص مشاهده کننده تاثیر می‌گذارد اگر رفتار الگو با تقویت همراه باشد احتمال بروز آن رفتار در فرد مشاهده کننده افزایش می‌یابد و اگر مورد تنبیه قرار بگیرد احتمال انجام آن رفتار در مشاهده کننده کاهش می‌یابد(سیف، ۱۳۹۱) تجربه غیر مستقیم تقویت و تنبیه هم به همان اندازه تجربه مستقیم رفتارشان را تغییر خواهد داد (السون و هرگنهان، ۱۴۰۱). بندورا معتقد است که اگر انسان تحت تاثیر پاداش و تنبیه های بیرونی قرار داشت همواره باید در زندگی تغییر مسیر می‌داد تا اینکه خود را با عوامل خارجی همساز کند اما رفتار انسان علاوه بر تاثیر پذیری از عوامل خارجی عمدتاً یک رفتار خود نظم دهنده است و معیارهای عملکرد فرد همان تجربه های مستقیم و غیر مستقیم است که در طول زندگی می‌آموزد و برای او پایه ای می‌شود تا خود را ارزشیابی نماید. بندورا می‌گوید که تقویت درونی که از ارزشیابی خود شخص حاصل می‌شود بسیار نیرومندتر از تقویت بیرونی است (السون و هرگنهان، ۱۴۰۱ ص ۵۱۰).

یادگیری شناختی^۴

یکی دیگر از روشهای یادگیری، یادگیری‌های شناختی است که معرف دیدگاه روان‌شناسی شناخت گرایی است. منظور از شناخت در این نوع یادگیری‌ها جریان‌های فکری و ذهنی حاکم بر رفتار است بنابراین یادگیری شناختی بیشتر با فرایندها و جریان‌های ذهنی سروکار دارند و کم‌تر به رفتارهای آشکار فرد می‌پردازد. در نظریه‌های یادگیری شناختی به مطالعه شکل‌های پیچیده‌تر یادگیری می‌پردازد و به فرایندهای شناختی توجه می‌شود. روان‌شناسان شناختی معتقدند یادگیری انسان را نمی‌توان به‌طور رضایت‌بخش برحسب نظریه‌های شرطی شدن توضیح داد به‌نظر آن‌ها یادگیرنده در ذهن یا حافظه خود یک ساخت شناختی تشکیل می‌دهد که در آن اطلاعات مربوط به رویدادهای مختلف نگه‌داری شده و سازمان می‌یابد بنابراین

^۳ Observational learning
^۴ Cognitive structure

از نظر این روان‌شناسان یادگیری نه در ایجاد تغییر در رفتار آشکار، بلکه ایجاد تغییر در ساخت شناختی و فرایندهای ذهنی است؛ شناخت گرایان توانایی جانداران در بازنمایی ذهنی جنبه‌هایی از جهان بیرون و عمل کردن بر روی این بازنمایی‌های ذهنی را مورد تأکید قرار می‌دهند پیش سازمان دهنده‌ها، یادگیری شناختی هستند که معرف دیدگاه روانشناسی شناخت گرایان هستند (سیف/۱۳۹۱) ساخت شناختی، مجموعه اطلاعات و مفاهیمی که در زمینه یک رشته درس در ذهن فرد به وجود می‌آید، "ساخت شناختی" او را از آن مجموعه دانش تشکیل می‌دهد. مثلاً مفاهیم درس فیزیک که از قبل در ذهن دانش‌آموز به وجود آمده است، بر روی هم، ساخت شناختی او را در علم فیزیک تشکیل می‌دهد. (جوینس، ویل، کالهن، ۱۳۹۰، ص ۲۵۷)

الگوی پیش سازمان دهنده^۵ توسط دیوید آزوبل (روانشناس و محقق آمریکایی) در سال ۱۹۶۳ تدوین شد و یکی از الگوهای خانواده اطلاعات پردازشی است که برای درک مطلب عرضه می‌شود، از این الگو تقریباً برای هر محتوا و سنی استفاده می‌شود (جوینس، ویل، کالهن، ۱۳۹۰) به نظر او افراد دانش را بیشتر به جای ساختن فعالانه اطلاعات، در معرض اطلاعات جدید قرار می‌دهند بنابراین ایده‌های او نزدیک تر به ایده‌های رفتارگرایی است (دهقانپور، ۱۴۰۱) پیش سازمان دهنده خلاصه‌ای گفتاری یا نوشتاری است که معلم در آغاز درس در اختیار یادگیرندگان قرار می‌دهد اما این خلاصه از نظر انتزاعی بودن و جامعیت و کلیت در سطح بالاتری از خلاصه‌ی درس است (سیف/۱۳۹۱) در نظریه پیش سازمان دهنده مطالب درسی باید طوری طرح ریزی و ارائه شود که ابتدا کلی‌ترین جامع‌ترین و انتزاعی‌ترین مفاهیم و اندیشه‌ها به صورت خلاصه معرفی کردند و بعد از این کلیات مطالب فرعی و جزئی به تدریج به یادگیرنده داده شود می‌شود پیش سازمان دهنده مجموعه‌ای از مفاهیم مربوط به مطلب یادگیری است که پیش از آموزش جزئیات تفصیلی آن مطلب در اختیار یادگیرنده گذاشته می‌شود معلم به این وسیله دانسته‌های قبلی را با مطالب جدید یاد یادگیری ارتباط دارد فعال (مشهدی، عرب بیگی، ۱۳۹۶) دیوید آزوبل ۱۹۶۸ نظریه شناختی دیگری بنام نظریه یادگیری معنادار^۶ کلامی را هم عنوان کرده، این نظریه به فرایند شناختی و ذهنی و تاثیر تجربه بر این فرایندها بیش از یادگیری‌های ناشی از شرطی شدن اهمیت می‌دهد او نظریه خود را به تبیین و توضیح یادگیری آموزشی که عمدتاً جنبه کلامی دارد اختصاص داده است و بدین منظور به نحوه‌ی تجربه اندوزی انسان، ربط دادن این تجارب با یکدیگر و سازمان دادن آن‌ها پرداخته است (سیف/۱۳۹۱). طبق نظریه یادگیری معنادار آزوبل وقتی مفهوم قابل ارتباط دادن با مفاهیمی باشد که از پیش در ساخت شناختی فرد وجود دارد آن مفهوم معنادار است در حالیکه مطالب غیر معنادار یا مطالبی که به صورت طوطی‌وار آموخته می‌شوند به طور پراکنده و بدون ارتباط با یکدیگر در ذهن انباشته می‌گردد و یادگیری جنبه طوطی‌وار پیدا می‌کند مانند یادگیری هجاهای بی معنی (مشهدی، عرب بیگی، ۱۳۹۶)

آزوبل معتقد است بهترین راه ایجاد علاقه و و انگیزه در یادگیرندگان این است که بر جنبه‌های شناختی یادگیری تأکید شود نه بر جنبه‌های عاطفی، بنابراین از نظر آزوبل تقویت و پاداش بیرونی هیچ گونه کمکی به یادگیری معنادار نخواهد کرد یادگیری معنادار خود تولید کننده پاداش است و نیازی به پاداش بیرونی ندارد و تنها باید از طریق ارائه مطالبی که با سطح توانایی شاگردان متناسب است کنجکاوی ذهنی آن‌ها را تحریک کرد (مشهدی، عرب بیگی، ۱۳۹۶)

ماهیت انسان

یکی از اختلاف نظرهای عمده بین رفتارگرایان و شناخت گرایان در این است که رفتارگرایان به رفتار و عمل آشکار جانداران به جبر جهان بیرونی اهمیت می‌دهند در حالی که شناخت گرایان توانایی جانداران در بازنمایی ذهنی جنبه‌های از جهان بیرون و عمل کردن به روی این بازنمایی‌های ذهنی را مورد تأیید قرار می‌دهند. (سیف، ۱۳۹۱)

در نظریه آزوبل شرطی شدن نوعی یادگیری ابتدایی و کم اهمیت تلقی شده است که بیشتر ویژه حیوانات و یادگیری‌های سطح پایین در انسان است (سیف، ۱۳۹۱). در واقع در یادگیری معنا دارد پیش سازمان دهنده‌ها عقیده دارند: دانش و آگاهی

چیزی نیست که کسی آن را به دیگری تزریق کند برای مثال یاددهنده به یادگیرنده؛ یادگیرنده اطلاعات دریافتی را به شیوه خود و بر اساس عواملی چون دانش پیشین، علائق، انگیزش به خود و... تعبیر و تفسیر می‌کند سپس اطلاعات یاد شده را با ارتباط دادن آن با آموخته‌های پیشین خود شرح و بسط می‌دهد در نتیجه دو یادگیرنده ممکن است از نظر یادگیری و انتقال یاد گرفته‌ها هیچ وجه مشترکی نداشته باشند (احدیان، آقازاده، ۱۳۷۸)

نظریه بندورا یک نظریه شناختی- اجتماعی است و شهرت نظریه او، تاکید وی بر بی‌همتایی آدمیان و در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی انسان هاست این دیدگاه، انسان را دارای ذهنی زایشی، پردازش‌کننده اطلاعات، حل‌کننده مسائل و بالاتر از همه او را ارگانیک‌سوی اجتماعی توصیف کرده است؛ همچنین بندورا در تازه‌ترین اثر خود بر عاملیت انسانی تاکید کرده است، منظور وی از عاملیت یا نیروی انسانی، طراحی آگاهانه و اجرای عمدی فعالیت‌ها به منظور تاثیرگذاری بر رویدادهای آینده است (هرگنهان، السون/۱۴۰۱)

در این نظریه چند جنبه اصلی وجود دارد:

عمدی بودن: یعنی زنجیره‌ای از اعمال از روی قصد برای رسیدن به منظوری خاص طراحی می‌شود.

پیش‌اندیشی: یعنی انتظاراتی که فرد از پیامد اهداف انتخابی خود دارد و به این ترتیب از پیامدهای منفی دوری کرده و به سوی کسب پیامدهای مثبت گام برمی‌دارد و به این ترتیب نقش انگیزشی مهمی دارد.

خودواکنش‌سازی: پیوند بین اندیشه و عمل است. بندورا اعتقاد دارد که مردم از اعمالی که برایشان احساس رضایت خاطر و ارزشمندی به بار می‌آورد استقبال کرده و از اعمالی که باعث تحقیر و نارضایتی می‌شود، دوری می‌کنند.

اندیشه ورزی: منظور توانایی فراشناختی تفکر درباره آثار و پیامدها و معنای نقشه‌ها و اعمال افراد است. او اساس عاملیت انسانی را باورهای کارآمدی انسان می‌داند و عقیده دارد که خودکارآمدی مهم‌ترین دلیل معین‌کننده فعالیت‌های فرد است (السون و هرگنهان، ۱۳۸۷، صص ۶۱۸-۶۱۶).

الگوهای یاددهی-یادگیری

روش آموزش

در نظریه‌ای یادگیری معنادار آزوبل گفته شده است که دانش‌های مربوط به هم یک رشته تحصیلی، به صورت یک طرح فرضی هرمی شکل با یک سلسله‌مراتب در ارتباط با یکدیگر سازمان می‌یابند و ساخت شناختن آن زمینه علمی فرد را به وجود می‌آورند در این ساخت هرمی شکل کلی‌ترین مسائل و مفاهیم در رأس هرم قرار دارند و مفاهیم و مطالبی که از کلیت و جامعیت کمتری برخوردار هستند در میانه‌ی هرم قرار دارند و بیشترین مقدار اطلاعات جزئی در قاعده این هرم قرار دارند؛ بنا براین در این سلسله‌مراتب ساخت، شناختن، هر مطلب از مطالب پایین‌تر از آن کلی‌تر و انتزاعی‌تر و خلاصه‌تر است، مطابق با این نظریه مطالب درسی باید طوری طرح‌ریزی و ارائه شوند که در ابتدا کلی‌ترین و جامع‌ترین و انتزاعی‌ترین مفاهیم و اندیشه‌ها به صورت خلاصه معرفی شود بعد به دنبال این کلیات به تدریج مطالب فرعی‌تر و جزئی‌تر معرفی شوند به اعتقاد آزوبل این سبک آموزش با مراحل طبیعی تشکیل ساخت شناختی مطابقت دارد، در این سبک آموزش پیش‌سازمان‌دهنده‌ها نقش اصلی را برعهده دارند پیش‌سازمان‌دهنده مجموعه‌ای از مفاهیم مربوط به مطلب یادگیری است که پیش‌از آموزش جزئیات تفصیلی آن مطلب در اختیار یادگیرنده گذاشته می‌شود پیش‌سازمان‌دهنده یک مفهوم کلیدی است که پایه یادگیری مطالب بعدی را تشکیل می‌دهد پیش‌سازمان‌دهنده‌ها به صورت خلاصه‌ای از مطلب آموزشی در آغاز درس در اختیار یادگیرندگان گذاشته می‌شوند آن‌ها صرفاً خلاصه درس نیستند بلکه مطالبی را شامل می‌شوند که عناصر سازمان‌دهنده برای یادگیری‌های جدید تدارک می‌بینند (سیف/۱۳۹۱).

روش آموزش آزوبل مبتنی بر ارائه پیش سازمان دهنده در آغاز درس مغایر با روشهای مرسوم آموزشی مدارس است زیرا در روش آموزشی آزوبل معلم در ابتدا باید مطالب و نکات جامع و انتزاعی را در اختیار یادگیرندگان بگذارد و بعد از آن به آموزش جزئیات بپردازد در روش آموزش آزوبل ابتدا مطالب بسیار جامع و انتزاعی معرفی می‌شوند و بعد به دنبال آن مطالب نه چندان کلی و انتزاعی معرفی می‌شوند و این جریان ادامه می‌یابد تا نوبت به مطالب بسیار جزئی و محسوس و عینی برسد (سیف/۱۳۹۱).

روش تدریس پیشنهادی آزوبل

پیش سازمان دهنده نمایشی : در تدریس نمایشی معلم از راه نمایش و توضیح موضوعات نحوه سازمان و ارتباط درونی مجموعه دانش را به یادگیرندگان می‌آموزد سازمان دهنده ها اصلی است و این است که توجه یادگیرنده را به مفاهیم و عمده موضوع جلب می‌کند روابط میان مطالب را برجسته کرده و مطالب جدید را به آنچه یادگیرنده از قبل می‌دانست ربط می‌دهند هر چقدر که مطالب جدید سازمان یافته تر و با ثبات تر باشد یادگیری معنادار تر و آسان تر خواهد بود (مشهدی، عرب بیگی، ۱۳۹۶).

پیش سازمان دهنده مقایسه ای: این پیش سازمان دهنده ها بین آموخته های قبلی دانش‌آموزان و آن چه که قرار است بیاموزند، ارتباط برقرار می‌کنند. پیش سازمان دهنده های آزوبل عموماً به صورت کلامی و نوشتاری می‌باشند (السون و هرگنهان، ۱۳۸۷، ص ۱۶۴).

در واقع آزوبل از دو اصل "تفکیک تدریجی" و "تشکل مجدد" برای پایداری مفاهیم در ساخت شناختی شاگرد استفاده می‌کند.

تفکیک تدریجی : در ابتدا مطالب کلی تر و انتزاعی تر درس می‌آید و سپس به تدریج مطالب جزئی تر ارائه می‌گردد.

تشکل مجدد: محتوای جدید تدریس به محتوای آموخته شده قبلی مربوط گردد.

باید گفته شود که چنانچه همه مطالب یادگیری سازماندهی شده باشند و برحسب تفکیک تدریجی بیان شود بالتبع تشکل مجدد شکل می‌گیرد. (جویس، ویل و کالهن، ۱۳۹۰، ص ۲۵۷)

نظریه آموزش بندورا

نظریه بندورا در آموزش و پرورش موارد استفاده زیادی دارد. بندورا معتقد است هر چیزی که با تجربه کردن قابل یادگیری باشد با مشاهده کردن نیز یاد گرفته می‌شود، بندورا همچنین معتقد است که الگوها یا سرمشق‌هایی که مورد احترام، لایق، والامقام یا پر قدرت باشند در ایجاد یادگیری مؤثر اند، در اکثر موارد معلمان می‌توانند الگوهای کاملاً با نفوذی باشند با طرح‌ریزی دقیق مواد و مطالب آموزشی معلمان می‌توانند هم به آموزش دانش و مهارت‌ها اقدام کنند و هم به یاد دادن شیوه‌های حل مسئله، اصول اخلاقی معیارهای عملکرد قواعد کلی و اصول و خلاقیت همت گمارند. دانش‌آموزان فواید بیشتری از تقلید کردن یک الگوی مؤثر می‌توانند نصیب ببرند. معلمان می‌توانند اعمال خود را برای یادگیرندگان الگو قرار دهند بعد این الگوها به وسیله دانش‌آموزان درونی می‌شوند و برای ارزشیابی شخصی به صورت معیار عملکرد در خواهند آمد و برای مثال معیارهای درونی شده به عنوان اساس انتقاد از خود یا ستایش از خود درمی‌آیند وقتی که دانش‌آموزان یا دانشجویان طبق معیارهای خودشان عمل می‌کنند تجربه برایشان تقویت کننده است وقتی که اعمال دانشجویان و دانش‌آموزان کم‌تر از معیارهایی است که آن‌ها برای خود در نظر گرفته‌اند تجربه برایشان تنبیه کننده است؛ برای بندورا تقویت درونی بسیار مهم‌تر از تقویت بیرونی است در واقع بندورا می‌گوید تقویت بیرونی ممکن است عملاً انگیزه دانش‌آموز را برای یادگیری کاهش دهد؛ رسیدن به هدف‌های شخصی نیز اثر تقویتی دارد، بنابراین معلمان باید به دانش‌آموزان کمک کنند تا برای خود هدف‌هایی در نظر بگیرند که نه خیلی دشوار

باشد نه خیلی آسان این هدف گزینی البته باید به صورت انفرادی باشد و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان را در نظر بگیرد (هرگنهان، السون/۱۴۰۱)

مراحل یادگیری از نظر بندورا

بندورا یادگیری از راه مشاهده را در چهار مرحله توضیح داده است این مراحل عبارتند از ۱- مرحله توجه ۲- مرحله به یاد سپردن ۳- مرحله بازآفرینی ۴- مرحله انگیزشی یا تقویتی (سیف، ۱۳۹۱)

مرحله توجه: عوامل زیادی مانند جذابیت، شهرت، شایستگی، مورد احترام بودن و مورد تحسین واقع شدن فرد سرمشق و الگو می‌تواند برای کودکان و نوجوانان مورد توجه واقع شود. در رابطه با آموزش عواملی چون متمایز بودن، مشخص بودن مطالب درسی، سرعت یادگیری فرد، پیچیدگی مطلب بر میزان توجه دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد.

مرحله یادسپاری: برای اینکه از رفتار یک سرمشق بتوان تقلید کرد باید آن را به خاطر سپرد لازمه این کار بازنمایی آن رفتار در حافظه است، یعنی معرفی آن به حافظه به نحوی که بعداً قابل بازیابی یعنی یادآوری باشد به یاد سپردن و نگهداری مطالب آموخته شده در ذهن را می‌توان از طریق مرور ذهنی یا تمرین عملی بهبود بخشید.

مرحله بازآفرینی: وقتی که دانش‌آموز یاد گرفت یک رفتار را چگونه انجام دهد ممکن است هنوز قادر به انجام آن رفتار به صورت کامل نباشد بعضی وقتها یادگیرنده نیاز دارد تا رفتار آموخته شده را تمرین کند در این موقعیت معلم باید به او بازخورد بدهد و او را در انجام رفتار به نحوه صحیح هدایت کند در این حالت معلم باید به آن‌ها کمک کند تا تمام آنچه را که لازم است بیاموزند نواقص یادگیری دانش‌آموزان تنها در صورتی معلوم خواهد شد که معلم از یادگیرندگان بخواهد تا آنچه را که از راه مشاهده یاد گرفته‌اند عملاً نشان دهند

مرحله تقویتی یا انگیزشی: نظریه یادگیری اجتماعی بین یادگیری و عملکرد تفاوت قائل می‌شود و در این نظریه، تقویت نقش انگیزشی دارد یعنی تقویت لازمه‌ی ایجاد یادگیری نیست اما در تبدیل یادگیری به عملکرد مؤثر است ما ممکن است مهارت یا رفتار تازه‌ای را از راه مشاهده یاد بگیریم اما تا مطمئن نباشیم که از بابت تبدیل آن یادگیری به عملکرد تقویت یا پاداش دریافت می‌کنیم آن یادگیری را به عمل در نخواهیم آورد. تقویت در حفظ یادگیری مؤثر است حتی اگر فرد از راه مشاهده به یادگیری رفتار تازه موفق شود اگر از باب انجام آن رفتار تقویت دریافت نکند آن یادگیری برای مدت طولانی حفظ نخواهد شد (سیف/۱۳۹۱)

نقش معلم

آزوبل:

از نظر آزوبل معلم باید اطمینان پیدا کند که یادگیرندگان موضوع درس تازه اطلاعاتی را از قبل کسب کردند و نباید معلم بدون مقدمه اقدام به آموزش جزئیات درس تازه کند اگر معلم مجبور به آموزش اولین حلقه زنجیره مطالب شد باید بتواند بین موضوعات تازه و موضوعات قبلی یک ارتباط ایجاد کند یا از طریق یک چارچوب ذهنی برای آن آمادگی یادگیری موضوع جدید را ایجاد کند. (سیف/۱۳۹۱).

آزوبل به معلمان توصیه کرد موثرترین راه برای ایجاد انگیزش یادگیری تاکید به جنبه‌های شناختی است نه جنبه‌های عاطفی یعنی احتیاج نیست برای دانش‌آموز ابتدا جذابیت یک درس ایجاد شود بلکه اگر آموزش خوب و با کیفیت ارائه شود خود به خود در فرد علاقه ایجاد می‌کند آزوبل تقویت و پاداش بیرونی به ویژه انگیزش حاصل از عوامل آزارنده را در یادگیری معنادار پیشنهاد نمی‌کند این نوع عوامل انگیزشی را تنها برای یادگیری مطالب طوطی‌وار، مفید می‌داند به اعتقاد او یادگیری معنادار خود تولید کننده پاداش است و از این رو در این نوع یادگیری نیازی به پاداش بیرونی وجود ندارد همچنین معتقد است که

باید تکالیفی را به دانش‌آموزان بدهید که با سطح توانایی فردی آن‌ها متناسب باشد هیچ چیز به اندازه شکست و ناکامی زیاد بر انگیزش و علاقه تأثیر مخرب ندارد (نوربخش/۱۳۹۲)

مراحل تدریس

الف- ارائه پیش سازمان دهنده: هدف های درست را مشخص کنید پیش سازمان دهنده را ارائه دهید ویژگی های اصلی سازمان دهنده را بیان کنید با ذکر مثال و بیان ویژگی ها زمینه درک سازمان دهنده را فراهم آورید

ب- ارائه مطلب مورد نظر: مطلب مورد نظر را ارائه کنید توجه فراگیر را حفظ کنید ارتباط سازمانی مطلب را با پیش سازمان دهنده آشکارسازی کنید.

ج- تحکیم سازمان شناخت: از شاگردان بخواهید ویژگی های اصلی مطلب آموزشی جدید را بیان کند از شاگردان بخواهید ارتباط مطالب جدید را با پیش سازمان دهنده توضیح دهد (نوربخش/۱۳۹۲)

بندورا

فواید استفاده از نظریه یادگیری آموزش در آموزش مهارت ها برای معلم، آموزش رفتارها و مهارت های تازه است که معلم می تواند برای دانش‌آموزان الگوی ارزشمندی باشد، معلم باید در حضور دانش‌آموزان کمال دقت و شایستگی را از خود نشان دهد. معلم وقتی یکی از دانش‌آموزان کلاس را که برای حل مسئله راه تازه ای یافته است، مورد تقویت و تشویق قرار میدهد دانش‌آموزان دیگر روش دانش‌آموز را سرمشق قرار می دهند؛ همچنین برای این منظور از تنبیه جانیشینی هم می توان استفاده کرد معلم وقتی یک دانش‌آموز را برای رفتار نامطلوب سرزنش می کند دانش‌آموزان دیگر نیز آن رفتار را طرد می کنند (سیف، ۱۳۹۱).

کوشش معلم در متمایز ساختن مطالب مهم درس به ویژه در آموزش به کودکان، خردسال و کودکان عقب مانده ذهنی حائز اهمیت است؛ معلم باید بکوشد تا در آموزش مطالب مختلف توجه دانش‌آموزان را به جنبه های حساس و مهم درس جلب کند، معلم می تواند این کار را با دادن توضیحات کافی و تاکید ورزیدن بر نکات مهم انجام دهد (سیف، ۱۳۹۱). نظریه یادگیری مشاهده‌ای به معلم در آموزش مهارت‌ها می‌تواند یاری دهد

آموزش رفتارها و مهارت های جدید: مانند زبان خارجی، فعالیت ورزشی، خطاطی، حل مسئله عمدتاً از راه مشاهده آموخته می‌شود معلمان خود الگوی ارزشمندی می‌توانند باشند و به‌عنوان سرمشق برای دانش‌آموزان قرار بگیرند (سیف، ۱۳۹۱).

تشویق و ترغیب رفتارهای قبلاً آموخته شده : مشاهده رفتار و اعمال دیگران منجر به می‌شود یادگیری‌های قبلاً آموخته‌شده را نیرومند سازد (سیف، ۱۳۹۱).

نیرومند کردن یا ضعیف کردن اثر بازداری ها: پدیده اثر موجی یعنی در صورت بروز یک رفتار از فردی اگر ممانعت به عمل بیاید اثر تضعیفی برای یادگیری دیگران دارد اما اگر ممانعت به عمل نیاید موجب نیرومند شدن یا یادگیری رفتار توسط دیگران خواهد شد (مشهدی، عرب بیگی، ۱۳۹۶).

جلب توجه یادگیرندگان: بندورا گزارش کرده‌است که کودکانی که شاهد زدن یک عروسک به وسیله چکش بودند بعدها نه تنها آن رفتار را تقلید کرده‌اند بلکه از چکش برای مقاصد دیگری نیز استفاده کردند (سیف، ۱۳۹۱).

ایجاد پاسخ های هیجانی: یعنی مشاهده تجارب دیگران که می تواند واکنش های هیجانی در ما ایجاد کند مثلاً پاسخ هیجانی به ترس (مشهدی، عرب بیگی، ۱۳۹۶). اگر کودک هنگام بالا رفتن از سرسره به زمین بیفتد و صدمه ببیند، واکنش

شرطی شدن ترس در او ایجاد می‌شود بر طبق نظریه یادگیری مشاهده‌ای، مشاهده تجارب دیگران نیز در ما واکنش هیجانی ایجاد می‌کند (سیف، ۱۳۹۱).

راهنمایی هایی به معلمان در استفاده از نظریه یادگیری مشاهده ای

الف- برای رفتار هایی که می خواهید دانش‌آموزان یاد بگیرند سرمشق قرار دهید: نسبت به درسی که می‌دهید از خود علاقه و اشتیاق نشان دهید، اعمالی را که از دانش‌آموزان انتظار دارید، خود انجام دهید.

ب - از دانش‌آموزان خوب به عنوان سرمشق برای دیگران استفاده کنید : در کارهای گروهی دانش‌آموزان قوی تر را با دانش‌آموزان ضعیف تر هم گروه کنید ؛ دانش‌آموزی که مسئله را در حضور شاگردان کلاس حل کند تشویق کنید

ج- به دانش‌آموزان اطمینان دهید که رفتار نیک افراد با تقویت مثبت پاداش داده میشود: در داستان ها رابطه بین رفتار نیک و نتایج مثبت را مورد تاکید قرار دهید؛ در تقویت رفتار مطلوب و دانش‌آموزان مختلف انصاف و عدالت را رعایت کنید (سیف، ۱۳۹۱).

دانش‌آموز

از نظر بندورا دانش‌آموزان خود تنظیم کننده های فعال از نظر روانشناختی انگیزشی و رفتاری در فرایند یادگیری هستند همچنین فراگیران خود تنظیم از نظر فراشناختی دارای روحیه طراحی سازماندهی خودآموزی و خود ارزیابی هستند از نظر انگیزشی این فراگیران در تمام مراحل یادگیری به گونه‌ای رفتار میکنند که خود را افرادی لایق کارهای خود کارآمد و مستقل می یابند و از نظر رفتاری هم محیط هایی را انتخاب می‌کنند که موجب یادگیری شان می شود (فرمپینی، عبدالملکی، رشیدی، ۱۳۸۷)

فلسفه و هدف

هدف عمده الگوی تدریس پیش سازمان دهنده کمک به دانش‌آموزان در امر کسب اطلاعات و پردازش آن ها است. این هدف شامل کسب اطلاعات جدید از رشته های مختلف علوم و استفاده از اطلاعات موجود برای سازمان دهی، طبقه بندی و تفکر انتقادی می شود. مهمترین هدف این الگو معنی دار کردن یادگیری است. در این الگو معلم نقش انتقال و ارائه کننده مفاهیم درس را دارد و شاگردان، دریافت کننده و پذیرنده مطلب درسی هستند. (صفوی، ۱۳۷۶، ص ۱۹۸)

در نظریه شناختی اجتماعی بندورا عواملی مانند خود نظم دهی، خودکارآمدی، هم نظم دهی و عاملیت انسانی مفاهیم مهمی به شمار می روند، هدایت اندیشه‌ها، هیجان ها و رفتارها توسط خود فرد و هدفمند است. افراد با نظارت بر رفتارهای خود یادگیری را به طور موثر سامان داده و می تواند کاری را با موفقیت انجام دهد و توانایی این را دارد که کنترل زندگی خود را به دست گیرد و در انجام کارها موفق تر و امیدوار تر است. از نظر بندورا انجام رفتار ها به صورت آگاهانه و عمدی از جانب خود فرد به منظور اینکه بر روی رویدادهایی در آینده تاثیر بگذارد، است (مشهدی، عرب بیگی، ۱۳۹۶).

روش پژوهش

روش در این پژوهش تطبیقی و تحلیلی بوده و جامعه آماری مطالعه منابع موجود کتابخانه‌ای و مقالات و پژوهش‌های انجام شده در این حیطه بوده است

در این پژوهش ابتدا منابع کتابخانه‌ای موجود از هر دو نظریه پرداز (بندورا و آزیل) مورد مطالعه قرار گرفت سپس از نظر مباحث انسان‌شناسی، روش تدریس و مؤلفه‌های یادگیری- یاددهی، دیدگاه ها مورد بازیابی، تطبیق و مقایسه قرار گرفته و به شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها پرداخته شده است.

یافته ها

نظریه آزوبل	نظریه بندورا	
<p>یادگیری شناختی بر ذهن حاکم است نه رفتار، تقویت و پاداش بیرونی را بر جنبه‌های شناختی یادگیری نمی‌پذیرد و همین‌طور در یادگیری معنادار خود، تولید کنند پاداش است و نیاز به پاداش بیرونی نمی‌بیند.</p> <p>تنها باید از طریق ارائه مطالبی که با سطح توانایی شاگردان متناسب است کنجکاوی ذهنی آن‌ها را تحریک کرد</p>	<p>در یادگیری مشاهده‌ای بندو را نظریه تقویت و تشویق مورد نظر است و اصول نظریه شناختی مبتنی بر اصول تقلید و سرمشق‌گیری است، تمرین نیاز نیست، بلکه شاگرد از تقلید و مشاهده می‌آموزد</p> <p>تقویت درونی که از ارزشیابی خود شخص حاصل می‌شود بسیار نیرومندتر از تقویت بیرونی است</p>	تطبيق
<p>جانداران را در بازیابی ذهنی جنبه‌هایی از جهان بیرون و عمل کردن به روی این بازنمایی‌های ذهنی مورد تأیید قرار می‌دهد و شرطی شدن نوعی یادگیری ابتدایی و کم‌اهمیت است</p>	<p>نظریه بندورا در مورد ماهیت انسان بر این است که آدمیان بی‌همتا هستند و می‌توانند با پردازش اطلاعات مسائل را برای خود توصیف و حل کنند.</p>	ماهیت انسان
<p>شبيه ساختن يك هرم است كه مفاهيم كلي تر در رأس هرم و مفاهيم جزئی تر در قاعده هرم قرار گرفته است این همان مراحل طبیعی است که ساخت شناسی در فرد ایجاد می‌کند برای تدریس آزوبل پیشنهاد عمده‌ای برای معلمان دارد این که از راه توضیح موضوعات و ارتباط دادن موضوع مجموعه دانش به یادگیرندگان می‌آموزند در واقع میان مطالب جدید با مطالبی که قبلاً یاد گرفته ارتباط برقرار می‌کنند تا یادگیری معنا تر و آسان تر بشود همین‌طور ابتدا مطالب کلی تر و انتزاعی تر تدریس می‌شود و سپس مطالب جزئی تر.</p>	<p>هرچیزی که با تجربه کردن قابل آموختن است با مشاهده کردن هم می‌توان آموخت در واقع او الگوها و سرمشق‌هایی را که دارای خصوصیات اخلاقی و انسانی نمونه و برتر هستند را در اختیار یاد گیرنده قرار می‌دهد و از معلمان می‌خواهد که خود آن‌ها الگوهای کاملاً بانفوذی باشند. این الگوها برای دانش‌آموزان درونی می‌شود و برای آن‌ها به صورت عملکرد در خواهد آمد پس وقتی که دانش‌آموز طبق معیارهای خودش عمل می‌کند تجربه‌ای که می‌آموزد برایش تقویت‌کننده خواهد بود.</p> <p>از نظر بندورا تقویت درونی مهم‌تر از تقویت بیرونی است چراکه ممکن است تقویت بیرونی یادگیری را کاهش دهد در واقع یادگیری از نظر بندورا چهار مرحله دارد؛ ابتدا توجه کودک یا نوجوان به رفتارهای مختلف در یک فرد الگو و بعد آن رفتار به عنوان تقلید به خاطر سپرده شده و در مرحله بازآفرینی دانش‌آموز یاد می‌گیرد که این رفتار را چگونه انجام دهد در واقع رفتاری را که آموزش دیده را تمرین می‌کنند در مرحله تقویتی با تقویت، این یادگیری را به عملکرد تبدیل می‌کند.</p>	روش آموزش
<p>می‌گوید معلم باید اطمینان پیدا کنند که یادگیرندگان موضوعات درس جدید را به موضوعاتی که قبلاً کسب کرده‌اند می‌توانند ارتباط</p>	<p>پیشنهاد می‌کند که خود الگوی ارزشمندی برای دانش‌آموزان باشند و به عنوان یک نیروی نیرومند کننده یا تضعیف‌کننده در رفتار کودکان داشته باشد. با</p>	معلم

دهند و او تأکید بر جنبه‌های شناختی دارد نه جنبه‌های عاطفی، درواقع آزرول تقویت و پاداش بیرونی را از عوامل آزارنده در یادگیری معنادار می‌داند و آن را پیشنهاد نمی‌کند.	یادگیری مشاهده‌ای می‌توان مهارت‌ها را به کودکان یاد داد. در یادگیری مشاهده‌ای هم خود معلم و هم از دانش‌آموزان خوب به‌عنوان سرمشق برای دیگران استفاده کند. بندورا عقیده دارد که خود دانش‌آموز تنظیم کننده فعال از نظر روان‌شناختی انگیزشی و رفتاری است درواقع تقویت درونی فراگیران را به‌گونه‌ای هدایت می‌کند که کارهایی را انجام دهند که کارآمد باشد و محیط‌هایی را انتخاب کنند که موجب یادگیری شان شود.	
تمام تصمیمات توسط معلم گرفته می‌شود به نیازها و علایق و تواناییهای شاگردان کمتر توجه می‌شود، محتوا با زندگی واقعی شاگردان چندان ارتباطی ندارد. به مسائل روانی، عاطفی و اجتماعی شاگردان کمتر توجه می‌شود. (جویس، ویل و کالهن، ۱۳۹۰، ص ۲۶۳)	دانش‌آموزان و فراگیران با تشویق و تنبیه درونی خود تبدیل به خود تنظیم کننده های رفتاری خواهند شد	دانش‌آموز
الگوی تدریس پیش سازمان دهنده کمک به دانش‌آموز است که اطلاعات جدید را طبقه‌بندی کرده و تفکر انتقادی ایجاد کند	رساندن فرد به نوعی از خودتنظیمی و خودکارآمدی است که فرد بتواند رفتارهای زندگی خود را سامان دهد و توانایی هایی در کنترل زندگی خود به دست بیاورد و رفتارهای او به صورت آگاهانه بر زندگی او تاثیر بگذارد.	هدف

نتیجه گیری

دل مشغولی اصلی آزرول کمک کردن به معلمان در ارایه اطلاعات، به خصوص اطلاعات جدید، به شکل معنادار و کارآمد است. او بویژه به طرح مفهومی پیش سازمان دهنده پرداخته است که با استفاده از آن معلمان می‌توانند در جذب اطلاعات جدید به دانش‌آموزان کمک و یاری رسانند. آزرول بر این باور است که مطالب درسی جوری باید برنامه ریزی و طراحی شود که در اول هر درس بایست کلی ترین و جامع ترین مفاهیم و اندیشه ها به طوری گذرا و خلاصه به دانش‌آموزان ارائه شود، و سپس به دنبال آن، به صورت مرحله به مرحله، مطالب فرعی تر و جزئی تر را، معلمان به خورد دانش‌آموزان خود بدهند. (کدیور، ۱۳۸۶)

الگوی پیش سازمان دهنده، الگوی مناسبی برای دروس نظری در دوره ابتدایی و متوسطه آموزش و پرورش است و مناسب برای نظامهای آموزشی فقیر می‌باشد. در این الگو از یک زمان آموزشی محدود می‌توان حداکثر استفاده را کرد. از اتلاف وقت جلوگیری می‌شود. مفاهیم، بطور منظم در ساخت شناختی شاگردان جای می‌گیرد. برای فراگیران در پایان دوره چشم اندازی از تمام زمینه ها ایجاد می‌کند؛ اما در این الگو تمام تصمیمات توسط معلم گرفته می‌شود به نیازها و علایق و تواناییهای شاگردان کمتر توجه می‌شود، محتوا با زندگی واقعی شاگردان چندان ارتباطی ندارد. به مسائل روانی، عاطفی و اجتماعی شاگردان کمتر توجه می‌شود. (جویس، ویل و کالهن، ۱۳۹۰، ص ۲۶۳)

هر دو نظریه پرداز در امر آموزش تقویت و تشویق درونی را مؤثرتر و مفیدتر می‌دانند.

در نظریه بندورا آموزش در هر سن و زمانی حتی خارج از مدرسه قابل اجراست.

آشنایی با نظریه‌های یادگیری به ما چگونگی تجزیه و تحلیل و تسهیل یادگیری را می‌آموزد تحلیل و تطبیق دو نظریه بندورا و آزوبل با انسان‌شناسی و الگوی یاددهی یادگیری می‌تواند زمینه و راهکارهای عملی را به صورت یک چارچوب و الگو در زمینه تربیتی و آموزشی طراحی و ارائه کند. در واقع می‌توان شکل خاصی از تدریس و راهکارهایی برای آموزش اثربخش را با توجه به ماهیت انسان، قدرت یادگیری و مشارکت دانش‌آموز در یادگیری، برای رشد و پیشرفت رفتارهای مطلوب در دانش‌آموزان ایجاد کرد، با ایجاد رفتارهایی مثل خودتنظیمی و خود انگیزشی می‌توان صفات نیک و پسندیده را در یادگیرنده نهادینه نمود. همین‌طور با یادگیری معنا می‌توان از آموزش طوطی‌وار در مدارس پیشگیری کرد.

منابع

1. Aghazadeh. M (1394). *Practical guide of new teaching methods (for single-grade and multi-grade classes)*. second edition. Editor: Afsana Hojjati Tabatabai. Tehran: Marat
2. Aghazadeh. M (2008). *Guide to new teaching methods*. Tehran: Ayez
3. Ahadian, M. Aghazadeh, M(1378). *A guide to new teaching methods*. Tehran: Aizh
4. Dehghanpour, S (1401), the biography of David Azobel, Available at: <https://rabinia.com/mag>
5. Farahini Farahani, M. Abdul Maliki, J. Rashidi, Z. (1387). *Investigating the relationship between emotional intelligence in self-regulation and class goal structure with the academic achievement of first grade high school students in Qorve city*. The bimonthly scientific research journal Daneshwar Behavat. Shahed University. 15th year No. 30. (p. 85 to 97)
6. Joyce, B, Will, M, Calhoun, E(2014). *Teaching models 2015*. Translated by Mohammadreza Behrangi. Tehran: Kamal Tarbiat
7. Joyce, B. Will, M. Calhoun, E (1390). *Teaching patterns 2004*. Translated by Mohammad Reza Behrangi. Tehran: Kamal Tarbiat
8. Javidi Kalate Jafarabadi, T. Madani, S. Razavi, B (1390) *Bandura's social cognitive learning theory and its educational implications*. Mashhad Ferdowsi University. The first national conference on the findings of cognitive science in education (pp. 231-254)
9. Kadivar, P (2006) *Educational Psychology*, 11th edition, Tehran: Samt.
10. Mashadi Farahani, M. Arabbeigi, A(2016). *Educational psychology*. Tehran: Vania
11. Noorbakhsh Moghadam, A (2012). *David Azobel's learning theory*. Encyclopedia of popular psychology, Available at: <https://public-psychology.ir/1392/11>
12. Olson, M.Hergenhan.B.R (2020). *An introduction to learning theories*. Translator: Ali Akbar Saif (1401). Fifth edition. Tehran: Dowran
13. Olson, M.Hergenhan.B.R (2005). *An introduction to learning theories*. Translator: Ali Akbar Saif (1387). seventh edition. Tehran: Dowran
14. Saif, A (1401). *Modern educational psychology*. Tehran: Dowran
15. Saif, A (1391). *Educational psychology*. Tehran: Payam Noor University
16. Saif, A (1390). *Educational psychology*. 11th edition Tehran: Dowran
17. Safavi, A (1376). *Teaching principles, methods and techniques*. Tehran: Contemporary